

## بسم الله الرحمن الرحيم

### انواع دین داری

حقیقت اینست که حتی کمونیست ها و ملحدین هم بکلی از دین بی نیاز نیستند لاقلاً به هنگام ازدواج و مرگ نیازمند مراسم مذهبی هستند و یا از آن رهائی ندارند. منکران دین چه بسا بیشتر از مؤمنین به لحاظ ذهنی درگیر اعتقادات و مسائل مذهبی هستند و با ایده خدا در جنگ می باشند. هیچکس از خدا و دینش رهائی ندارد.

دین در افراد و گروههای بشری یا امری تاریخی- موروثی- اجتماعی است که شدیداً با امور معیشتی و گاه سیاسی عجین است. و یا امری معرفتی- تجربی است که بعنوان یک مکتب رهانی بخش و هدایتگر برگزیده شده است و امری عقلانی- قلبی میباشد که همه جنبه های زندگی فرد را دربر می گیرد و این دین عارفانه است که دین انگشت شماری از مردم میباشد و از دین عامه مردم که تاریخی است بکلی متفاوت است و چه بسا عامه مردم این نوع دین را لامذهبی بدانند.

محور دین داری نوع اول، شعائر و عبادات و رسوم مذهبی است مثل نماز، روزه، حج و دعاها و مراسمی که به هنگام تولد و ازدواج و مرگ و اعیاد و سوگواریها خودنمایی میکند و کسی که از این امور ابا کند دین دار و مؤمن تلقی نمی شود.

و اما محور دین داری نوع دوم، تفکر و سیر و سلوک روحانی و تجربیات معنوی است که معمولاً تحت هدایت یک عارف یا آموزگار معنوی قرار دارد. و عامه مردم این نوع دین داری را طرد می کنند و اصلاً آنرا دین نمی دانند.

دین داری نوع اول که دین عوام است هدف نیست بلکه وسیله ای در خدمت زندگی دنیوی و معیشتی و اجتماعی و سیاسی می باشد و نوعی تزئین و معنویت و قداست بخشیدن به صورت بیرونی دنیاست. ولی دین داری نوع دوم که دین خواص است هدف زندگیست و گاه کل جریان زندگی را زیر و رو می کند. و این دنیای فرد است که در خدمت دین اوست.

در حقیقت می توان از دین داری متشرعانه و اخلاقی سخن گفت یعنی دین داری ظاهری و دین داری باطنی! که مخاطب دین داری ظاهری و متشرعانه جامعه است ولی مخاطب دین داری باطنی و اخلاقی خود وجدان و روح فرد و خدای اوست.

البته که دین دار اخلاقی و عرفانی از شریعت بیگانه و بری نیست ولی با این احکام بطور عقلانی و گزینشی رابطه برقرار می کند که البته این امر همواره این نوع دین دار را در خطر بولهوسی نیز قرار می دهد که تدریجاً اخلاق و معرفت و ایمان خود را وسیله هوسبازیها و جلوه گریهایش سازد مگر اینکه تحت ولایت و تربیت آموزگاری عارف باشد.

و البته برخی نیز سعی کرده اند بین این دو نوع دین داری پلی بزنند و این دو را با هم جمع کنند که این به عقلانیت و تقوای دینی نزدیکتر است که دچار افراط و تفریط نگردند.

دین داری تاریخی- موروثی- اجتماعی هیچ تعهد قلبی و جدی برای پیروانش ایجاد نمی کند زیرا آنرا انتخاب نکرده اند و لذا با تغییر شرایط یا جغرافیا این دین داری هم دچار استحاله می شود و چه بسا بزودی از میان می رود.

از آنجا که امر معیشت و اقتصاد مهمترین مسئله زندگی بشر است در عرصه دین داری نیز نقشی محوری ایفا می کند. این نقش برای عامه مردمان که پیرو دین تاریخی هستند بر جای هدف قرار می گیرد و لذا کل جریان دین داری هم در خدمت این هدف تدبیر می شود.

ولی برای دین داری عرفانی و اخلاقی و باطنی هم اگر امر معیشت دارای تدبیر و مدیریتی معقول نباشد فرد را با دینش به بن بست رسانیده و چه بسا او را به سمت دین داری تاریخی- اجتماعی سوق دهد و یا بکلی لامذهب سازد.

به هر حال برای هر دو نوع دین داری امر معیشت در محور امر قرار دارد که دین دار موروثی آنرا هدف دینش قرار میدهد ولی دین دار اهل معرفت و اخلاق دارای تجربه دیگری در این امر است. او اگر نتواند دست خدا را در رزق خود

درک کند و رزق خود را از سمتی بی سو دریافت نکند بی تردید با تمامیت دین خود به بن بست میرسد و مجبور می شود از آن دست بکشد. زیرا خداوند به مومنانش وعده داده که از سمتی که هرگز نمی دانند رزق می خورند. پس کشف سوی بی سوئی در این امر از اهم مکاشفات دین دار عارف است.

رزق بردن از سوی بی سوئی یعنی از نزد خداوند، بمعنای ارتزاق از ورای هر تدبیر معیشتی و هر حساب و کتاب و مستمری و بیمه و امثالهم می باشد. و لذا این سوی بی سوئی همان درب عالم غیب است.

اینست که رزق عارفان از عجایب زندگی آنهاست که در چشم مردمان به صدها گمان و تهمت و خرافه تعبیر می شود. و عارفی که نتواند این سوی بی سوئی و وجه الله را در خود کشف کند از راهی که در پیش دارد درمی ماند و چه بسا کافر می شود. این سوی بی سوئی، وجهی از دل خود اوست که از آن وجه با خدایش سخن می گوید و یادش می کند.

برای دین داری موروثی و متشرعانه محض، معیشت هدف است و لذا اگر در این دین داری تأمین نشود و راضی نگردد از دینش دست می کشد و یا احکامش را به طرز رندانه و توریه ای تحریف و تبدیل می کند و اهل ربا می گردد به روشهای گوناگونی که متخصصین امر به او تعلیم می دهند. ولی برای دین دار عارف اخلاقی، خود دین و اخلاق هدف است و لذا اهل معرفت به لحاظ معیشتی فقر و قناعت را برمی گزینند تا در دین خود دچار نفاق نشوند. و لذا بهر چه از جانب خداوند بسویشان می آید راضی هستند.

به هر حال معیشت از جمله محورهای دین است همانطور که محور زندگیست و لذا تمامیت دین به همین امر آزموده و به محک زده می شود بواسطه قبض و بسط رزق. بنابراین دین معیشت اندیش و دین معرفت اندیش مطلقاً قابل تفکیک نیستند و چنین تفکیکی یک تقسیم بندی کاملاً انتزاعی و ذهنی است و در واقعیت امر موضوعیت ندارد. تمام تفاوت در معیشتی است که از راه دین و اخلاق و یا از راه مکر و بی اخلاقی حاصل می شود. کفر و ایمان هر کسی ناشی از نوع امرار معیشت اوست. تا رزق آدمی پاک نشود دین و اخلاقش پاک نشده است.

اصلاً نوع نگاه آدمی به امر معیشت است که نوع دین داری او را تعیین می کند. اینکه برآستی خداوند را رزاق می داند یا رزاقیت خداوند فقط تعارفی در آسمانهاست. یک مؤمن عارف و مخلص کسی است که برآستی از نزد خدا و از دست او رزق می برد. و لذا هیچ تلاش اضافی جهت کسب امرار معیشت خود مرتکب نمی شود که چنین تلاشی را شرک می داند. یعنی کسی که برای امرار معیشت خود جان می کند عذاب می کشد و تن به هر خفت و حرامی و مکاری می دهد و میگوید: روزی رسان خداست! چنین کسی یک مشرک است. یک مؤمن مخلص کسی است که (بقول علی(ع)) هرگز بدنبال رزق خود نمی دود بلکه می نشیند تا رزقش بسویش بیاید! با درک و تشخیص همین یک مسئله می توان نوع دین داری هر کسی را تعیین کرد.

علی اکبر خانجانی

۱۴۰۰/۰۲/۱۰